

روزنامه همدان

روزنامه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران
شنبه ۲۴ دی ۱۴۰۰ جمادی الثانی ۱۴۴۴_ ۱۴ ژانویه ۲۰۲۳- شماره ۲۱۰۴ سال هفتم
۸ صفحه - قیمت ۲۰۰۰ تومان - ضرب کیفیت ۶۷۴
www.hamdelidaily.ir hamdeli@gmail.com newspaper.hamdeli News
سردبیر: فضل‌الله باری
چاپ: صمیم ۴۴۵۳۳۷۷۵-۰۲۱
نشانی: تهران- میدان انقلاب - خیابان کارگر شمالی- کوچه مهر- پلاک ۶- طبقه اول- واحد ۳
تلفکس: ۰۲۱۶۶۹۱۲۷۵-۰۲۱۶۶۹۱۲۷۱

نگارخانه

درباره رمان «همسر اول» اثر فرانسواز شاندر ناگور»

نوعی تنهایی



فریبا علی اکبری منتقد ادبی

هنوز زنده است «اگر شوهرم را به طور رسمی از دست داده بودم، خانواده‌اش دورم حلقه می‌زدند و با گرمای بازوان‌شان تسلی‌ام می‌دادند. اگر شوهرم را با تاپوت و دعا به خاک می‌سپردم، دوستانش از من حمایت می‌کردند، مرا در آغوش می‌گرفتند... اما از آنجا که او زندگی می‌کند و خوشبخت هم زندگی می‌کند، آن‌ها دو تکه‌ام کرده‌اند» این جدایی همه ابعاد زندگی زن را تحت‌الشعاع قرار داده است. فامیل، دوستان، فرزندان «حالا که به طور یک‌جانبه طلاقم داده، حس می‌کنم حتی آن مادری که او تحسین می‌کرد، نیستم چون بچه‌هام، آن‌ها هم قسمتی از گذشته من هستند، گذشته‌ای که کیفی، آن‌ها به‌رغم میل‌شان، به‌رغم میل من، خرابه‌های آن‌ها هستند. چطور می‌شود از تن آن‌ها، از روح‌شان، قسمت شوم را حذف کرد؟ آن‌ها به ویژه پاره‌ای از تن او هستند، تنی که دیگر نباید بهش فکر کنم. به این ترتیب، بچه‌های عشق، در مسیر طلاق به بچه‌های تجاوز تبدیل می‌شوند» دوستان «در آرزوی سکوت هستم، در آرزوی تبعید، دلم می‌خواهد بگیرم، خودم را زیر خاک مدفون کنم، اما آن‌ها آنجا هستند تا به من پیشنهاد تفریح بدهند، از من توضیح بخواهند. دوستانی که بی‌وقفه به من تلفن می‌زنند تا متقاعد کنند که نباید از چنین بدبختی‌های پیش‌پاافتاده‌ای یک تراژدی بسازم» درون‌مایه کتاب را می‌توان نوعی تنهایی بر اثر از دست دادن شوهر دانست آن هم در سن سالی که زن قصه جوانی و زیبایی‌اش را از دست داده است. «من یخ‌زده هستم، شوهرم در آستانه زمستان ترکم کرد. رها شده در سنی که یک زن دیگر زن نیست» و در آخر «همسر اول» زمانی است که خواندن آن نیازمند مکث و زمان بسیار است. تک‌گویی زنانه کاترین، زوال درونی کاترین، سکوت زنی که فروپاشیده است.

نویسنده‌ای که شخصیت‌هایش تیتیر یک روزنامه می‌شدند

آگاتا کریستی و سبک ویژه در جنایی نویسی



در کارنامه دوران نویسندگی آگاتا کریستی چند شعر و شماری نمایشنامه و تعدادی کتاب درباره زندگی و تجربیاتش نیز دیده می‌شود، اما ما او را با داستان‌های جنایی و کارآگاهی‌اش و دو شخصیت مشهور این داستان‌ها، هرکول پوارو و خانم ماریل می‌شناسیم. می‌گویند از همان دوره نوجوانی می‌نوشته اما ماجرا از سال ۱۹۲۰ برایش جدی شد. نخستین داستان جنایی که نوشت «ماجراهای اسرارآمیز در استایلز» نام داشت و شش ناشر مختلف، به دلایلی مشابه یکدیگر آن را رد کردند. به نظر آن‌ها این داستان مناسب چاپ نبود و ویژگی‌های لازم برای جذب حداقلی از مخاطبان را نداشت. البته این داستان چندی بعد منتشر و به نخستین موفقیت آگاتا کریستی تبدیل شد. این موفقیت کوچک، چند بار دیگر در سال‌های بعد با داستان‌های دیگری که او نوشت تکرار شد. تا اینکه اواسط دهه ۱۹۳۰ با «تراژدی در سه پرده» - که در کمتر از یک سال، بیشتر از ۱۰ هزار نسخه از آن به فروش رفت- به شهرت رسید و خوانندگان بسیار بیشتری پیدا کرد. آن زمان در مطبوعات کشورش چهره ناشناخته‌ای نبود اما از آن پس بیشتر درباره‌اش صحبت می‌کردند و انتشار هر کتاب تازه او را همچون اتفاقی مهم در ادبیات انگلیسی پوشش می‌دادند. کریستی، نه یک‌شبه که به‌مرور و گام‌به‌گام خودش را اثبات کرد، جوایز زیادی را هم بُرد و عموم منتقدان حتی بسپاری از آن‌های را که داستان‌های پلیسی برایشان چندان جدی نبود - به تحسین نبوغ و چیره‌دستی خود وادار کرد. کریستی می‌توانست ذهن خواننده را با معماها و توطئه‌های داستانش درگیر کند و مخاطب را در گشودن گره ماجرا به دنبال شخصیت‌های داستان بکشاند. او با جنایی‌نویسان پیش از خود متفاوت بود، زیرا ادبیات جنایی را از عناصر ملودرام و عارفانه تصفیه کرد و مرزهای مشخص‌تری برای این ژانر برطرف‌دار کشید. بسیار خجالتی نبود. در پاریس در رشته موسیقی تحصیل کرد اما هرگز در هیچ جمعی اجرا نکرد. بعدها که نویسنده مشهوری شده بود، بی‌سروصدا به تماشای نمایش‌هایی که از روی نمایشنامه‌هایش ساخته می‌شدند، می‌رفت و ناشناس گوشه‌ای می‌نشست. دوست نداشت او را بشناسند و دورش جمع شوند. البته تقریباً هر هفته، روزنامه‌ها و مجلات درباره‌اش می‌نوشته و کتابی از کتاب‌های او را موضوع یکی از مطالب خودشان قرار می‌دادند. حتی زمانی که رمان «پرده» (۱۹۷۵) منتشر و در آن پوارو با مرگی خودخواسته - که حتی گاهی به خودکشی هم

داستانک



فیض شریحی داستان نویسنده

خنزرد پزوری

بگویی: «حق با توست، او نکشت، تو بیا مرا بگیر و بکش.» یک ساعت تمام برایم غزل خواندم، نگذاشت در این هوای بارانی و مفرح نفس بکنم. نگذاشت درست به سبدهای گل‌های بنفشه و گلخانه‌ها و گل‌فروشی‌ها نگاه کنم، نگذاشت حتی یک کیلو انار «زیاب قصردشتی» بخرم. می‌گفت: «بگذار یک غزل دیگر برایت بخوانم» چنان بلند می‌خواند و مثل خمیرگیرهای کهنه کار بالا و پایین می‌شد که هر رهگذری که از کنارمان رد می‌شد عاقل‌اندرفسیه و دیوانه به ما نگاه می‌کرد. یکی از گل‌فروش‌ها بیرون آمد و با تشر و تمسخر گفت: «بابا جون! کله‌پا نشی، تمام صندوق‌های بنفشه را له و لورده کردی.» راست می‌گفت، پای شاعر و الا‌مقام در گل و لای گیر کرد و یکی دو صندوق را توی جیب انداخت و خودش را هم اگر من ننگرفته بودم با کله توی خیابان می‌افتاد. شاعر لاغراندام بود ولی تمساح بدنش داد و قال بود، صورتش مثل سر اسبی لاغر مردنی بود و سبیلش مثل چارلی چپلین و هیتلر، خودش می‌گفت: «تو رو خدا نگاه کن، روزنامه چه عکسی از من زده است؟ شدام اصغر قاتل، بنذر شعر زیر عکس را بخوانم: «از زمین تا آسمان هستند خنزرد پزوری...» از هدایت می‌گفت و لکاته و پیرمرد خنزرد پزوری که ...گوش نمی‌کردم زیاد، مرا به زور به یک غناخوری برد که هم کوبیده مرغ داشت هم کوبیده گوسفندی. گفت: «اقا دو دست، ماست اسفنج و نوشابه و سبزی و پیاز

میراث

بازار تاریخی خوی، یادگاری مانده از دوران صفویه



بازار خوی پس از بازارهای تبریز، اصفهان و شیراز از نظر معماری و بزرگی در جایگاه چهارم قرار داشته و وجود مساجد، کاروان‌سرا و دروازه سنگی جذابیت خاصی به این بازار بخشیده است. یکی از بهترین مسیرها برای ورود به بازار خوی از طریق دروازه سنگی است که در گذشته مردم از این دروازه برای عبور و مرور استفاده می‌کردند و امروز این دروازه در جنوب بازار تاریخی قرار داشته و یادگاری از دوره معماری ایلخانی در این شهرستان است. به محض ورود به داخل فضای سرپوشیده بازار با جنب و جوشی مردم در حال خرید مواجه می‌شوید که هر کدام برای خرید مایحتاج خود از ادویه‌جات، تخمه و گیاهان دارویی گرفته تا لوازم برقی، فرش و صنایع‌دستی به این بازار آمده‌اند. هر کدام از سراهای و راسته‌های بازار تاریخی خوی متعلق به صنف خاصی است مثلاً راسته زرگروشان، آجیل‌فروشان، فرش‌فروشان، مسگران، چرم‌فروشان، زین‌ساز و ... در این بازار به روال گذشته وجود دارد که برخی از صنعتگران فعال در این بازار شغل و حرفه پدری خویش را در پیش گرفته و همچنان در بازار فعالیت دارند. مجموعه بازار تاریخی خوی در هسته مرکزی و بافت تاریخی شهر مابین خیابان‌های طالقانی، امام، انقلاب و شیخ مهدی در ضلع شرقی شهر واقع شده، قدمت این بنا صفوی بوده ولی بیشتر قسمت‌های آن به دستور عباس میرزا و توسط امیر احمدخان دنبلی در اوایل دوره قاجاریه ساخته شده است. بازار خوی در دوران صفوی یکی از مهم‌ترین مراکز تجاری آذربایجان بود که به‌واسطه قرارگیری در مسیر جاده ابریشم یکی از مراکز تجاری و صادراتی کالاهای ایرانی بوده است این بازار یکی بزرگ‌ترین بازارهای تاریخی کشور به‌شمار می‌رود که شامل چندین سرا، مدرسه، مسجد و حمام است. ورودی بازار همانند بازارهای تاریخی از دروازه سنگی ساخته شده که یکی

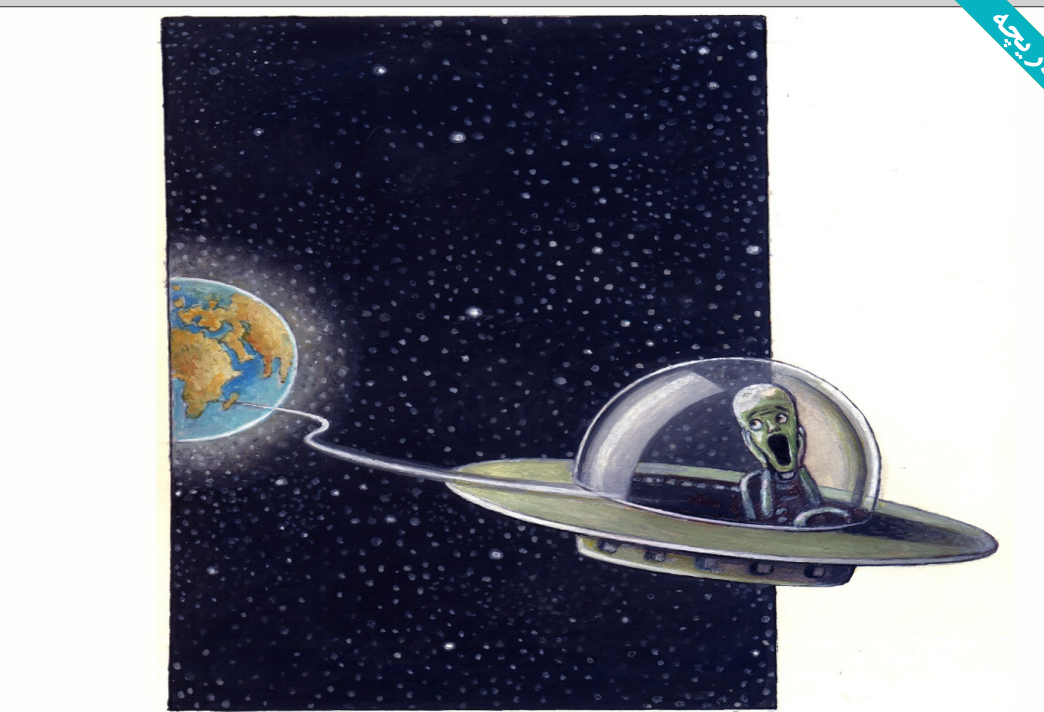
چشم‌ن

پیوند ناموفق کبد، ابوالفضل خطیبی را از ادبیات گرفت

در گذشت شاهنامه پژوه معاصر

ابوالفضل خطیبی، ادیب شاهنامه پژوه روز چهارشنبه، ۲۱دی‌ماه از دنیا رفت. ابوالفضل خطیبی (زاده ۱۳۲۵در دیهشت ۱۳۳۹ در گرمسار) نویسنده شاهنامه‌شناس و پژوهشگر زبان و ادب فارسی، عضو هیئت‌علمی فرهنگستان زبان و ادب فارسی و مشاور علمی گروه فرهنگ‌نویسی بود. خطیبی عضو هیات علمی و معاون گروه فرهنگ‌نویسی فرهنگستان زبان و ادب فارسی و معاون سردبیر مجله «نامه ایران باستان»، نگارنده‌ی بیش از صد مقاله علمی به ویژه درباره شاهنامه در دانشنامه‌ها و مجلات تخصصی ادبی بوده و در تصحیح شاهنامه با جلال خالقی مطلق در جلد هفتم همکاری داشت. او دریافت‌کننده جایزه حامیان نسخ خطی در آیین بزرگداشت حامیان نسخه‌های خطی در سوم آذر ماه ۱۳۸۴ به خاطر مقاله «صالت کهن‌ترین نسخه؛ فلورانس ۶۱۴ هـ.ق» بوده‌است. «شاهنامه، ابوالقاسم فردوسی؛ طبع انتقادی» به کوشش جلال خالقی مطلق و ابوالفضل خطیبی، «هرگزیده مقاله‌های نشر دانش درباره شاهنامه»، «تقدیرباوری در منظومه‌های حماسی فارسی (شاهنامه و ویس‌و رامین)»، «هلمر رینگنر، ترجمه‌ابوالفضل خطیبی، «یادداشت‌های شاهنامه، بخش سوم» با همکاری جلال خالقی مطلق و محمود امیدسالار، «به فرهنگ باشد روان تندرس: مقاله‌ها و نقدهای نامه فرهنگستان درباره شاهنامه.» به کوشش احمدممعی گیلانی و ابوالفضل خطیبی، به مناسبت همایش هزاره شاهنامه در اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۰، «چشنامه دکتر فتح‌الله مجتبایی» به کوشش علی‌اشرف صادقی

دریچه



Murat Ahmeti

روزنامه‌نگاری

ذوالنون مصری پادشاهی را گفت شنیده‌ام فلان عامل را که فرستاده‌ای به فلان ولایت بر رعیت درازدستی می‌کند و ظلم روا می‌دارد. گفت روزی سزای او بدم. گفت بلی روزی سزای او بدهی که مال از رعیت تمام سخته باشد پس به زجر و مصادره از وی بازستانی و در خزینه نهی. درویش و رعیت را چه سود دارد؟ پادشاه خجل گشت و دفع مضرت عامل بفرودم در حال.

منتقد کتابک

امولیسون: در اصطلاحات تخصصی شیعی نوعی چسب‌سان مایع در مایع میباشد که در آن قطره‌های ریز یک مایع مانند آب در مایعی دیگر مانند روغن پراکنده می‌شوند، بدون آنکه با یکدیگر درآمیزند.

مجازنشان

خرج شکمم زیاده، از پس هزینه‌هاش برنمیام دیگه، کاش می‌شد غذا رو فقط در جهت تفریح خورد، اونم مٹ بقیه تفریحات سالی به بار انجام می‌دادم. (رضو)
هر بار که به کلمه‌های غلط نوشته می‌شه، اون حرفی که به اشتباه جای به حرف دیگه استفاده شده، وسط مهمونی، به لحظه به خودش میاد و می‌بینه همه حروف خوشحالت ولی اون نیست. از خودش می‌پرسه «من چمه؟ چرا خوشحال نیستم؟ این حس تنهایی چه تو وجودم؟» و باز افسردگی‌ش برمی‌گردد. درست بنویسید. (پیرکات)

خواستم توی این هوای سرد سگ کش بهتون بگم که اگه شما از سرما بلرزی استخون‌هات سیاه شه بیفتی بمیری باز بهتر از گرمای تابستون و شرشر عرق ریختنه. (آرش ۶٪)

دوس دارم برم تو کشوری که به چیزی مسخره اعتراض می‌کنن و تو کافه‌هاشون بشنم و بهشون بگم: میدونی من از کجا میام؟ (بلمونت)

نگارخانه

کشف جدید «جیمزوب»

در مورد یک منطقه ستاره

تلسکوپ فضایی «جیمزوب» در جدیدترین یافته‌های خود، اطلاعات تازه‌ای را در مورد یک منطقه ستاره‌زا ارائه داده است. «ان‌جی‌سی ۳۳۶» که یکی از پویاترین مناطق ستاره‌زا در کهکشان‌های نزدیک به شمار می‌رود، همیشه به از رمز و راز بوده اما اکنون با وجود یافته‌های جدید «تلسکوپ فضایی جیمزوب» ناسا، کمتر رمزور استانب‌جی‌سی ۳۳۶. در «ابر ماژلانی کوچک» قرار دارد که یک کهکشان کوتوله نزدیک به راه شیری است. ابر ماژلانی کوچک در مقایسه با راه شیری، میزان کمتری از عناصری را در بر دارد که سنگین‌تر از هیدروژن و هلیوم هستند و ستاره‌شناسان آنها را فلز می‌نامند. از آنجا که دانه‌های غبار موجود در فضا بیشتر از فلزات تشکیل شده‌اند، دانشمندان انتظار داشتند که مقدار کمی گردوغبار وجود داشته باشد و تشخیص آن دشوار باشد اما داده‌های جدید جیمزوب خلاف این موضوع را نشان می‌دهد. ستاره‌شناسان این منطقه را بررسی کردند زیرا شرایط و مقدار فلزات درون ابر ماژلانی کوچک شبیه به آن چیزی است که میلیاردها سال پیش و زمانی موسوم به «ظهور کیهانی» در کهکشان‌ها دیده می‌شد که تشکیل ستاره در اوج خود بود. حدود دو تا سه میلیارد سال پس از انفجار بزرگ، کهکشان‌ها با سرعت بالایی در حال تشکیل ستاره بودند. فرآیند شکل‌گیری ستاره‌ها که در آن زمان اتفاق افتاد، هنوز کهکشان‌هایی را شکل می‌دهند که امروز آنها را در اطراف خود می‌بینیم. «سارگارت میکسنر»، ستاره‌شناس «انجمن تحقیقات فضایی دانشگاه‌ها» و پژوهشگر ارشد این پروژه گفت: یک کهکشان در طول دوره ظهور کیهانی، مانند ابر ماژلانی کوچک یک ان‌جی‌سی ۳۴۶ نداشته، بلکه هزاران منطقه ستاره‌ساز مانند این منطقه داشته است. در هر حال، حتی اگر ان‌جی‌سی ۳۳۶ اکنون تنها خوشه بزرگی باشد که ستاره‌هایی را در آن قرار دارد، هنوز کهکشان‌های دیگر، فرصتی عالی برای کاوش در شرایطی پیش می‌آید که در ظهور کیهانی وجود داشته است. پژوهشگران می‌توانند با مشاهده پیش‌ستاره‌گانی که هنوز در حال شکل‌گیری هستند، بفهمند که آیا فرآیند تشکیل ستاره در ابر ماژلانی کوچک با آنچه ما در کهکشان راه شیری خود مشاهده می‌کنیم، متفاوت است یا خیر. «ولویا جونز»، پژوهشگر «مرکز فناوری نجوم بریتانیا» و از پژوهشگران این پروژه گفت: با جیمزوب می‌توانیم پیش‌ستاره‌های سبک‌تری را که به کوچکی یک دهم خورشید هستند، بررسی کنیم تا ببینیم آیا فرآیند تشکیل آن‌ها تحت تأثیر محتوای فلزی است یا خیر.

وقتی ستاره‌ها شکل می‌گیرند، گاز و غبار را از ابر مولکولی اطراف جمع می‌کنند. مواد در یک قرص برافزایشی جمع می‌شوند که پیش‌ستاره مرکزی را تغذیه می‌کند. ستاره‌شناسان، گازی را در اطراف پیش‌ستاره‌های ان‌جی‌سی ۳۳۶ کشف کرده‌اند اما مشاهدات جیمزوب، نخستین باری را نشان می‌دهد که آن‌ها غبار را در این قرص‌های شناختنی کرده‌اند. «گیدو دی ماری» پژوهشگر «ژانسن فضایی اروپا» اجزای پژوهشگران این پروژه گفت: ما در حال مشاهده اجزای سازنده هستیم که نه تنها ستارگان، بلکه احتمالا سیارات را دربردارد. از آنجا که ابر ماژلانی کوچک، محیطی مشابه با کهکشان‌های طهر کیهانی دارد، ممکن است که سیارات سنگی زودتر از آنچه ما فکر می‌کردیم در جهان شکل گرفته باشند. انتظار می‌رود که این داده‌ها، بینش جدیدی را در مورد موادی که روی پیش‌ستاره‌ها جمع می‌شوند و همچنین محیطی که بلافاصله پیش‌ستاره را احاطه می‌کند، ارائه دهند.